



Interdisciplinary Legal Research

Jun 2024, 5(2): 15-26

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Citizenship Rights and Human Dignity in the Light of the Holy Quran

Arezoo Malekshah ^{*1},  Mehdi Karbasian ²

Received:

12 Apr 2024

Revised:

28 May 2024

Accepted:

08 Jun 2024

Available Online:

21 Jun 2024

Keywords:

Citizenship Rights,
Human Dignity,
Intrinsic Dignity,
Acquired Dignity.

Abstract

Background and Aim: Man is a creature that is different from other creatures in creation, and this difference is in the power of reason. The Qur'an considers the right of dignity for human beings and considers the right of human dignity valid and attaches special importance to it. Protecting and protecting the rights and dignity of citizens is one of the main duties of rulers.

Materials and Methods: The research method in this research is descriptive-analytical.

Ethical Considerations: All ethical principles have been observed in the writing stages of this research.

Findings and Conclusion: The results of the study indicate that dignity is one of the natural, fundamental and human rights of human beings, which has a special importance that is accepted as a principle of the holy religion of Islam, and a lot of emphasis has been placed on this issue and no government can deprive its citizens of it. One of the important duties of the Islamic system is to create a suitable platform for citizens to benefit from all the material and spiritual capacities that God has placed in the existence of man and the world of creation to ensure happiness and excellence.

1 Assistant Professor, Assistant Professor, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)*

Email: a_malekshah@azad.ac.ir Phone: +989125901344

2 M.A in Private Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Please Cite This Article As: Malekshah, A & Karbasian, M (2024). "Citizenship Rights and Human Dignity in the Light of the Holy Quran". *Interdisciplinary Legal Research*, 5(2): 15-26.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی
(صفحات ۱۵-۲۶)

حقوق شهروندی و کرامت انسانی در پرتو قرآن کریم

آرزو ملک‌شاه*^۱، مهدی کرباسیان^۲

۱. استادیار، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: a_malekshah@azad.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: انسان موجودی است که در آفرینش با سایر موجودات متفاوت است و این تفاوت در قوه تعقل می‌باشد. قرآن برای انسان‌ها حق کرامت قائل شده و حق کرامت انسان‌ها را معتبر دانسته و اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل است. کرامت ذاتی، مبنای حقوق بشر محسوب می‌شود و کرامت اکتسابی و ارزشی به‌عنوان مبنای حقوق شهروندی می‌باشد. حفظ و حراست از حقوق و کرامت شهروندان از وظایف اصلی حاکمان است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: کلیه اصول اخلاقی حاکم در پژوهش، در نگارش این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتیجه بررسی بیانگر آن است که کرامت یکی از حقوق فطری، اساسی و حقوق بشری انسان‌ها است، که دارای اهمیت ویژه‌ای است که به‌عنوان یک اصل مورد پذیرش دین مقدس اسلام است و تأکید فراوانی روی این مسأله شده است و هیچ دولتی نمی‌تواند آن را از شهروندان خود سلب کند. از وظایف مهم نظام اسلامی، ایجاد بستر مناسب برای بهره‌مندی شهروندان از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی در وجود انسان و جهان آفرینش قرار داده است.

کلمات کلیدی: حقوق شهروندی، کرامت انسانی، کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی.

مقدمه

۱- بیان موضوع

انسان موجودی است که در خلقت و آفرینش به دلیل داشتن قوه عقل با سایر موجودات تفاوت دارد و این امر انسان را با سایر موجودات متمایز کرده است. قوه عقل از یک طرف موجب قدرت و سلطه انسان بر جهان شده و موجب سعادت وی شده است و از طرف دیگر انسان‌ها با سوء استفاده از این موهبت الهی خود را به سمت هلاکت و نابودی کشانده‌اند. وقتی صحبت از کرامت ذاتی می‌شود بحث حق و حقوق به میان می‌آید و هر چه انسان‌ها به سمت اجتماعی شدن و مدنیت پیش روند بر دایره کرامت آنها افزوده می‌شود و این همان حقوقی است که از آن به نام کرامت نام می‌بریم.

یکی از اصول اساسی حقوق بشر و شهروندی، احترام به کرامت انسانی است. دلیل لزوم وضع حقوق بشر و شهروندی در سطح ملی و بین‌المللی، رعایت کرامت انسانی بوده است و هیچ دولت یا نهادی نمی‌تواند این حقوق را از کسی سلب کند. بین کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی مرز مشخصی نیست و در نتیجه بین حقوق بشر از سایر اقسام حقوق، همچون حقوق شهروندی، زمینه بهتری را برای توجیه غصب قدرت، هتک حرمت، تضییع کرامت و در نتیجه تضییع حقوق انسانی فراهم آورده است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۶).

یکی از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی، شهروندی است که موجب شناخت بیشتر و بهتر افراد جامعه به محیط اجتماعی، روابط افراد با یکدیگر و بهبود کنش‌های افراد جامعه شده است. می‌توان گفت شهروندی اصلی است که بر اعضای جامعه و روابط دولت کنترل و نظارت دارد. در توضیح بیشتر باید گفت به امتیازات دولت و حقوق افراد از یک طرف و از طرف دیگر به مناسبات و فرایندهای تاریخی ارتباط پیدا می‌کند. حقوق، تعهدات و مسؤولیت‌هایی که افراد جامعه نسبت به یکدیگر دارند در قالب شهروندی انعکاس پیدا می‌کند. شهروندی قالبی را برای ارتباطات و تعاملات افراد جامعه، گروه‌های اجتماعی و نهادها ارائه می‌کند. بنابراین، راندمان اصلی شهروندی اداره و نظارت بر جامعه مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت

حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند (شیانی، ۱۳۸۱: ۳۶). مسأله حقوق شهروندی از جمله مسائلی است که امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته و نظریات و گفتمان‌های روز افزون از سوی اندیشمندان بیانگر این مسأله است. حقوقی که برای شهروند یک کشور در نظر گرفته شده را حقوق شهروندی می‌نامیم، که از مسأله حقوق بشر جدا نیست. ایده‌های حقوق بشر در عملیاتی کردن حقوق شهروندی است. که بر دوش حکومت‌ها قرار گرفته و در محدوده جغرافیایی مشخصی صورت می‌گیرد.

مسأله شهروندی، به دلیل ارتباطاتی که میان مردم و حکومت وجود دارد، اهمیت زیادی پیدا کرده و شکل سیاسی به خود گرفته است. سؤالی که پیش می‌آید این است که شهروندی به مفهوم سیاسی نزدیک‌تر است یا به مفهوم فرهنگی؟ در تعریف شهروندی سیاسی باید گفت شهروندی سیاسی در پی آن است تا از طریق تعهد به یک هدف و آرمان شهروندی، تعاملات سیاسی میان شهروندان را بهبود ببخشد. پایداری جامعه سیاسی منوط به این است که میان اعضای جامعه همبستگی وجود داشته باشد، پیوند میان شهروندان در نمود حقوق و مسؤولیت‌های متقابل به این امر کمک می‌کند. شهروندی فرهنگی تجلی آن در درک مشترک از خیر و همکاری در امور خیر است که به منصف ظهور می‌رسد. که می‌توان جامعه را در دست‌یابی به فضائل اجتماعی رهنمون کرد و مانع بی‌عدالتی اجتماعی شد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۶۳). در این مقاله کرامت انسانی و حقوق شهروندی تبیین می‌شود و سپس به بررسی این دو پرداخته خواهد شد.

۲- روش پژوهش

از آنجاکه گام برداشتن در مرحله نظری پژوهش نیازمند روش و ابزارهای مناسب است، تناسب روش و اجزای آن با موضوع و هدف پژوهش، اصلی است که رعایت آن به محقق کمک می‌کند تا شناختی را که در برخورد با واقعیت کسب می‌کند و می‌خواهد آن را برای تأیید به اصلاح جنبه‌های نظری پژوهش قرار دهد، با درجه بالایی با واقعیت تطبیق کند. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و بر مبنای

منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به متون فقهی و آیات قرآن انجام شده است.

بحث و نظر

برای پژوهش حاضر که به بررسی کرامت انسانی و حقوق شهروندی از منظر آیات قرآن کریم است، ابتدا لازم است به تبیین مفهوم کرامت و انواع آن از منظر قرآن پرداخته شود.

۱- مفهوم شناسی کرامت

در بررسی مفهوم کرامت، در قاموس قرآن آمده است: کرامت به معنی سخاوت، شرافت، نفاست و عزت است. (قریشی، ۱۰۳: ۱۳۷۲). راغب در مفردات می‌نویسد: کرم اگر وصف خدا شود مراد از آن احسان و نعمت آشکار خداست و اگر وصف انسان باشد نام اخلاق و افعال پسندیده او است که از وی ظاهر می‌شود به کسی کریم نگویند مگر بعد از آنکه آن اخلاق و افعالی از وی ظاهر شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱: ۷۰۷). در فرهنگ عمید کرامت به معنای بزرگی و وزیدن، جوانمرد بودن، بزرگی و ارجمندی، بخشندگی آمده است (عمید، ۱۳۷۵: ۳ / ۱۹۵۳). دو نوع کرامت برای بشر در شرع مقدس اسلام در نظر گرفته شده است: «کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها، مادامی که با اختیار خود - به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و بر دیگران - آن کرامت را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند. کرامت ارزشی که از بکار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌گردد. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسان مربوط به همین کرامت است.» (جعفری، ۱۳۸۸: ۲۲۴) همه انسان‌ها از کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی برخوردارند و خداوند باری تعالی برای گذران حیات انسان‌ها، این نوع از کرامت را به انسان‌ها به ودیعت نهاده است. که به‌عنوان حق و تکلیف متقابل نمود پیدا می‌کند. این نوع کرامت را خداوند به انسان از آن جهت که انسان است و صاحب کرامت است، داده است (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۲۲۰). با توجه به ذاتی و قائم‌بالذات بودن کرامت انسانی، این نوع کرامت غیرقابل سلب است. در منظومه حق‌هایی که فقها ترسیم کرده‌اند، کرامت از سوی

جزء حقوق غیرقابل نقل و انتقال و از سوی دیگر غیرقابل اسقاط خواهد بود (انصاری، ۱۴۱۵: ۳۲۱).

تعریفی که راغب در مفردات آورده است صرفاً اشاره به کرامت اکتسابی انسان دارد. مرحوم علامه در تعریف کرامت ذاتی آن را محدود به فعل و عمل انسان نموده، یعنی اگر ایشان عمل ناشایست انجام دهد از وی سلب می‌شود. این تعریف دارای اشکالاتی می‌باشد، اولاً کرامت ذاتی مختص همه انسان‌ها، امری ذاتی است و نمی‌توان از هیچ انسانی آن را سلب کرد. بنابراین می‌توان گفت: کرامت ذاتی اولاً مختص انسان است و ثانیاً همه انسان‌ها فارغ از جنسیت، نژاد و ... از آن برخوردارند و از وجود انسان زایل شدنی نیست. کرامت ارزشی یا اکتسابی در واقع کرامتی است که انسان‌ها با تلاش و سعی خود آن را به دست می‌آورند، در واقع انسان‌ها اعم از زن و مرد می‌توانند با اعمال شایسته به آن دست پیدا کنند. از آن‌جاکه شاخص کرامت اکتسابی بر اساس دین اسلام، تقواست و راه رسیدن به کرامت اکتسابی ملاک تقوا است و راه رسیدن به آن بین زن و مرد تفاوتی نیست. آیت‌اله مصباح با تأکید بر پیوند عمیق و ناگسستنی مستقیم بین «تقوا» و «کرامت» این رابطه و ارزشمند بودن آن می‌فرماید: بین این دو از نظر قرآن کریم رابطه مستقیم وجود دارد. بدین شکل فزونی کرامت در گرو تقوا بیشتر است، تقوا یک امر اکتسابی و اختیاری است و مسأله طبیعی و ذاتی نیست و انسان‌ها از روی آگاهی و اختیار و طبق دستورات الهی می‌توانند به آن دست پیدا کنند. ارزش والا انسان در گرو کرامت اکتسابی است که باید برای به دست آوردن آن تلاش کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۹۵/۱). کرامت اکتسابی با تلاش و کوشش در مسیر رشد و کمال و به کار انداختن استعدادها و در مسیر خیر به وجود می‌آید و ارزش و کمال نهایی و غایی انسان منوط به همین کرامت است. یعنی کرامت، دارای ارزشی بالقوه است که اگر با تلاش در مسیر حیات معقول به فعلیت برسد، دارای ارزشی «مستند به اراده آزاد» می‌شود (جعفری، ۱۳۷۰: ۱۲۴).

کرامت اکتسابی موجب می‌شود فرد در حوزه اجتماعی و عمومی، منزوی و منفعل نباشد. وارد جامعه شود و در روابط اجتماعی با دیگران قرار گیرد و در امور عام المنفعه و سایر

تفضیل متفاوت است. چون تکریم معنایی است نفسی و در تکریم کاری به غیر نیست، بلکه تنها شخص مورد تکریم مورد نظر است که دارای شرافت و کرامتی بشود به‌خلاف تفضیل که منظور از آن این است که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری یابد، درحالی‌که او با دیگران در اصل شرکت دارد (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۳ / ۲۱۴). این آیه اشاره به کرامت ذاتی دارد که مختص همه انسان‌ها می‌باشد. این احترام و برتری، به گفته ابن عباس و ضحاک به قوت و عقل و نطق و تمیز است. میمون بن مهران از ابن عباس روایت کرده است که: به‌خاطر این است که انسان با دست غذا می‌خورد و حیوانات با دهان. عطا گوید: به‌خاطر اندام معتدل و قامت راست او است. از جابرین عبدالله روایت شده که: به‌واسطه انگشتان است، زیرا اگر انگشت‌ها نبود بسیاری از کارها را نمی‌توانستند انجام دهند. ابن جریر گوید: به‌واسطه این است که حیوانات در تسخیر و فرمان او هستند. محمد بن کعب گوید: به‌خاطر وجود پیامبر گرامی اسلام است. برخی گویند: به‌خاطر این است که انسان خدا را می‌شناسد و او را فرمان می‌برد. برخی گویند: به‌خاطر همه این‌ها و نعمت‌های دیگری است که به انسان اختصاص دارد. این قول بهتر است (طبرسی، ۱۳۵۲: ۱۴ / ۱۷۸-۱۷۷).

انسان‌ها به واسطه داشتن خصوصیتی به نام نعمت عقل، از سایر موجودات متمایز شده‌اند. معنای تفضیل انسان بر سایر موجودات این است که در غیر عقل از سایر خصوصیات و صفات هم انسان بر دیگران برتری داشته و هر کمالی که در سایر موجودات هست حد اعلائی آن در انسان وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۳ / ۲۱۵). لفظ کرمانا به‌طور سر بسته می‌گوید: او را گرامی داشتیم ولی چگونه او را گرامی داشته، هرگز در آیه به آن اشاره نمی‌کند و نکته آن این است که مواهبی که خدا به انسان داده یک دو تا نیست تا به‌طور مشخص مطرح شوند، مجموعه‌ای است از استعدادها و شایستگی‌ها، از قابلیت‌ها و ... ولی در این میان نمی‌توان از موهبت عقل و خرد چشم پوشید، موهبتی که انسان را از دیگر جانداران جدا ساخته و اختیار فراوانی به او بخشیده است تا آنجا که دیگر مواهب بدون این موهبت بزرگ کارساز نبوده و وسیله تکامل و تعالی نمی‌باشد (سبحانی، ۱۳۶۴: ۴ / ۲۴۳).

موارد به دیگران کمک کند و حقوق شهروندی را به نمایش بگذارد. با کرامت‌ترین انسان‌ها در نزد خداوند بزرگ با تفاوت‌ترین آنهاست. این امر بر بعد معنوی و به تبع آن بر بعد اجتماعی تأثیر می‌گذارد. باید مبتنی بر منطق عقلی باشد و عقلا آن را بپذیرند. از لحاظ فقهی، حقوق شهروندی بر مبنای کرامت اکتسابی باید مبتنی بر بنای عقلا و سیره متشرعه باشد. مانند اینکه فردی که در امور عام المنفعه فعالیت می‌کند و به امور خیر اشتغال دارد ممکن است حاکم اسلامی وی را از پرداخت مالیات و یا موارد دیگر معاف کند (سیدی‌نیا، ۱۳۸۷: ۶۷).

۲- جایگاه کرامت در اسلام

کرامت در قرآن دارای اهمیت ویژه‌ای است، جایگاه و ارزش انسان را جدا از نژاد، رنگ، مکان جغرافیایی و ... نشان می‌دهد. تا جایی که قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسرا/۷۰) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: در این آیه خلاصه‌ای از کرامت‌ها و فضل خود را می‌شمارد تا انسان بفهمد پروردگارش به او عنایت بیشتری دارد و مع‌الاسف انسان این عنایت را نیز مانند همه نعمت‌های الهی کفران می‌کند، از همین جا معلوم می‌شود که منظور این آیه، بیان حال جنس بشر است، صرف‌نظر از کرامت‌های خاص و فضائل روحی و معنوی که به عده‌ای اختصاص داده است. بنابراین این آیه مشرکین و کفار و فاسقین را شامل می‌شود، چه اگر چنین نبود و مقصود از آن انسان‌های خوب و مطیع بود معنای امتنان و عتاب در نمی‌آمد ... آیه یاد شده بیان‌کننده برتری ذاتی تمامی افراد بشر، حتی مشرکان و کافران بر بسیاری از مخلوقات، یعنی جن‌ها و حیوانات است و اما درباره فرشتگان ذات و عمل آنان را افضل بر ذات و عمل انسان معرفی می‌کند و تنها برای انسان این امکان را قائل می‌شود که بتواند با طی مراحل رشد و کمال و با به دست آوردن استعدادهای تازه و شکوفا کردن آنها بر ملائکه تفوق یابد (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۳ / ۲۱۴).

مفسر المیزان در ادامه می‌نویسد: «و لقد کرمانا بنی آدم» منظور از تکریم، گرامی داشتن و اکرام است که در دیگران این ویژگی نباشد و همین ویژگی است معنای تکریم با

آوردن آن به کار می‌گیرند، تا با آن به دیگران فخر بفروشند و بلندی و سروری کسب کنند. مزیتی، مزیت حقیقی است که انسان را به کمال برساند و زندگی و حیات طیبه که سعادت حقیقی وی است را برایش به ارمغان آورد و در جوار رحمت خداوند به آن دست پیدا می‌کند. این مزیت همان تقوای الهی و ترس از خداوند است. تقوا تنها وسیله رسیدن به سعادت آخرت است، که به تبع آن سعادت دنیا را هم تأمین می‌کند و لذا خدای تعالی فرموده: «تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ» (انفال/۶۷) و نیز فرموده: «مَوْ تَزُوذُوا فَاِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (بقره/۱۹۷) (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۴۹۰/۱۵) ادامه آیه «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳). این جمله، مضمون جمله قبل را تأکید می‌کند و در ضمن اشاره‌ای هم به این معنا دارد که اگر خدای تعالی از بین سایر مزایا، تقوی را کمال و کرامت انسان انتخاب کرده، به‌خاطر علم مطلق و تسلطی که به مصالح بندگان دارد است. این مزیت، مزیت واقعی و حقیقی است، نه مزایایی که انسان آن را موجب فخر و کرامت خود قرار داده است. چون آنها همه، مزایایی وهمی و باطل است، زینت‌های زندگی مادی دنیا باند که خدای تبارک و تعالی درباره آنها فرموده «مَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنِّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت/۶۴). این مطلب اشاره دارد به این که برخی سنت‌هایی که در عرف و باور جامعه وجود دارد و باعث فخر موهوم انسان می‌شود غلط و اشتباه است، تنها سنتی که راه درست زیستن را نشان می‌دهد دین خداست که بالاترین و والاترین سنت است.

آیه شریفه دلالت دارد بر این که بر هر انسانی واجب است که در هدف‌های زندگی خود تابع دستورات پروردگار خود باشد، آن چه اختیار کرده اختیار کند و راهی که او به سوی هدایت کرده پیش گیرد و خدا تقوی را برای او برگزیده، پس او باید همان را پیش گیرد. علاوه بر این، بر هر انسانی واجب است که از بین همه سنت‌های زندگی دین خدا را سنت قرار دهد (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۴۹۰/۱۵). بعضی از بزرگان برای تقوا سه مرحله قائل شده‌اند: ۱- نگهداری نفس از عذاب جاویدان، از طریق تحصیل اعتقادات صحیح؛ ۲- پرهیز از هرگونه گناه، اعم از ترک واجب و فعل معصیت؛ ۳- خویشتر داری در برابر آن چه قلب آدمی را به خود مشغول می‌دارد و از حق

بنی‌آدم معمولاً در قرآن عنوانی است برای انسان‌ها توأم با مدح و ستایش و احترام در حالی که کلمه انسان با صفاتی همانند «ظلوم»، «جهول»، «هلوع»، «کم ظرفیت»، «ضعیف»، «طغیانگر»، «ناسپاس» و مانند آن توصیف شده است و این نشان می‌دهد که بنی‌آدم به انسان تربیت یافته اشاره می‌کند و یا حداقل نظر به استعدادها مثبت دارد (توجه به افتخارات آدم و فضیلت او بر فرشتگان که در کلمه بنی‌آدم نهفته شده نیز مؤید این معنا است) درحالی که کلمه انسان به معنی مطلق و گاهی احياناً اشاره به جنبه‌های منفی او است. لذا در آیات مورد بحث که سخن از کرامت و بزرگواری و فضیلت انسان است تعبیر به «بنی‌آدم» شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ۲۰۴/۱۲) در مجموع می‌توان گفت:

۱- همه انسان‌ها دارای کرامت ذاتی و خدادادی هستند چه انسان‌هایی که مؤمن هستند و چه انسان‌هایی که مؤمن نیستند.

۲- خداوند به انسان‌ها ارزش ویژه‌ای اعطا کرده که همان عنایت خاص خداوند به بشر است.

۳- با توجه به اینکه خداوند به انسان‌ها کرامت الهی عطا کرده، این مستلزم پرهیز از ناسپاسی خداوند است.

۴- همه انسان‌ها، از نسلی واحد و از فرزندان آدمند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹: ۱۸۸).

در آیه‌ای دیگر از قرآن در خصوص کرامت اکتسابی یا ارزشی سخن گفته است. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ» (حجرات/۱۳) در این جمله می‌خواهد امتیازی را که در بین آنان باید باشد بیان کند، اما نه امتیاز موهوم، امتیازی که نزد خدا امتیاز است و حقیقتاً کرامت و امتیاز است. توضیح این که، فطرت انسان‌ها به دنبال کمال است و به‌خاطر این ویژگی است که انسان‌ها را از سایر موجودات متمایز کرده است تا در بین نزدیکان خود دارای کرامت و شرافت شود. عامه مردم چون حب دنیا دارند و دل‌بسته دنیا هستند این امتیاز و برتری را در زندگی دنیایی و در مال و زیبایی و نسب و امثال آن جستجو می‌کنند و همه تلاش و توان خود را در طلب و به دست

رفت و خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: مردم از روزگار آدم تا به امروز همچون دندان‌های شانه هستند، عرب را بر عجم برتری نیست و سفید را بر سیاه، مگر به تقوا (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۶۹۹۹/۱۴). امام سجاد (ع) فرمودند: هیچ افتخاری برای فرد قریشی و یا عرب نیست، مگر به فروتنی و هیچ کرامتی نیست مگر به تقوا (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۶۹۹۹/۱۴). امام علی (ع): تقوا، ظاهرش شرافت دنیاست، باطنش شرافت آخرت (همان). امام علی (ع) در وصف بهشتیان می‌فرماید: بهشتیان گروهی هستند که کرامت همواره با آنان باشد، تا آن که سرانجام در سرای جاودانی فرود آیند و از جابه جایی سفرها آسوده گردند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۵۱۴۹/۱۱). ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: تقوا محکم‌ترین وسیله‌ای است میان تو و میان خداوند، اگر آن را بر گیری، سپری از عذاب دردناک الهی است (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶: ۵۵۹/۲).

از دیدگاه قرآن ملاک برتری مرد بودن یا زن بودن نیست. نمی‌توان زن را به خاطر زن بودنش آن گونه که در طول تاریخ در بسیاری از جوامع تحقیر می‌کرده‌اند و بی‌ارزش می‌دانسته‌اند، بی‌ارزش دانست و تحقیر کرد. قرآن ایمان و عمل صالح را نه تنها ملاک برتری مردی بر مرد دیگر که حتی ملاک برتری زن را بر مرد نیز می‌داند، یعنی اگر زنی از ایمان و عمل صالح برخوردار است از بسیاری از مردان که فاقد ایمان و عمل صالح هستند برتر می‌باشد (نصری، ۱۳۸۷: ۱۷۶). «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» «پروردگارشان دعایشان را اجابت فرمود که: من کار هیچ مزدوری را از شما، چه زن و چه مرد- همه از یکدیگرید- ناچیز نمی‌سازم» (آل عمران/۱۹۵). «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» «هر زن و مردی که کاری نیکو انجام دهد، اگر ایمان آورده باشد زندگی خوش و پاکیزه‌ای بدو خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان عطا خواهیم کرد.» (نحل/۹۷)

بنابراین با توجه به مطالبی که گفته شد در قرآن با توجه به آیات بیان شده دو نوع کرامت ترسیم شده است: ۱- کرامت

منصرف می‌کند و این تقوای خواص بلکه خاص اشخاص است (مجلسی، ۱۳۹۷: ۱۳۶/۷۰). از پیامبر (ص) روایت شده که فرمودند: خداوند بزرگ در روز قیامت می‌فرماید: به شما فراوان دادم اما شما آنچه را که سفارش کرده بودم ضایع ساختید و در فکر بالا بردن انساب خود بودید، امروز هم من نسب خود را بالا برده انساب شما را پائین می‌آورم کجا هستند پرهیزکاران؟ که گرامی‌ترین فرد در پیشگاه الهی با تقواترین فرد خواهد بود (طبرسی، ۱۳۶۳: ۲۳/۲۲۴). رسول خدا (ص) در جای دیگر می‌فرماید: هر که خواهد که کریم‌ترین مردمان باشد گو از خدا بترس و نیز گفت: کرم مرد دین اوست و پرهیزکاری او، اصل او عقل او حسب او خوی نیکوی او. عبدالله عباس گفت: کرم دنیا توانگری است و کرم آخرت پرهیزکاری (ابوالفتح رازی، ۱۳۷۵: ۱۸/۴۴).

امام علی بن موسی الرضا (ع) در خصوص تقوا می‌فرماید: ایمان یک درجه برتر از اسلام است و تقوا درجه‌ای است بالاتر از ایمان و یقین درجه‌ای برتر از تقوا است و هیچ چیز در میان مردم کمتر از یقین تقسیم نشده است (مجلسی، ۱۳۹۷: ۷۰/۲۴۵). پیامبر (ص) می‌فرماید: همانا پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی و دین شما یکی و پیامبرتان یکی. هیچ عربی را بر عجمی برتری نیست و هیچ عجمی را بر عربی و هیچ سفیدی را بر سیاهی و هیچ سیاهی را بر سفید، مگر بر تقوا (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۶۹۹۹/۱۴). روایت شده که مردی از حضرت عیسی بن مریم (ع) پرسید: کدامین انسان برتر است؟ حضرت از روی زمین دو کف خاک برگرفته فرمود: کدامیک از این دو کف خاک برتر است؟ مردم از خاک آفریده شده‌اند هر کدام که با تقواتر باشند برتر خواهند بود (طبرسی، ۱۳۶۳: ۲۳/۲۲۴).

شیخ مفید در این راستا می‌نویسند: شنیده‌ام که روزی سلمان فارسی وارد مسجد رسول خدا (ص) شد و مردم او را به سبب حقی که داشت و به احترام موی سپیدش و منزلت خاصی که نزد پیامبر و خاندان او، صلوات الله علیهم، داشت احترامش نهادند و او را بالای مجلس نشاندند. عمر وارد مسجد شد و چشمش به سلمان افتاد. گفت: این مرد عجم کیست که در میان عرب‌ها صدر نشین شده است؟ رسول خدا (ص) منبر

ذاتی که در وجود همه انسان‌ها فارق از جنسیت به ودیعت نهاد شده؛ و دیگری ۲- کرامت اکتسابی یا ارزشی، که آثاری بر آن مترتب است و رسیدن به این نوع از کرامت خودسازی است که انسان‌ها اعم از زن و مرد در راه رسیدن به آن آزادند. در توضیح بیشتر باید گفت در کلام الهی ملاک رسیدن به کرامت اکتسابی برای هر دو جنس اعم از زن و مرد تقوا معرفی شده است و برای کرامت اکتسابی تنها یک شاخص معرفی شده و آن تقوا است. ملاک تقوا در قرآن و روایات ائمه (ع) و راه رسیدن به رستگاری آمده است و بی توجهی به آن خسران در دنیا و آخرت را هم برای زن و هم برای مرد به همراه دارد.

۳- حقوق شهروندی

فرهنگ فارسی امروز، شهروند را «کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار می‌شود»، تعریف کرده است. همچنین در فرهنگ علوم سیاسی، شهروند چنین تعریف شده است: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است.» (اکبری، ۱۳۹۵: ۶۷).

حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق با هر درجه از اهمیت است که در قلمرو حکومتی برای اتباع آن قلمرو شناخته شده است. در تعریف شهروندی، عضویت شهروند در محدوده حاکمیت دولت ملی با تأکید بر حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی هر شهروند همراه است. چنین حقوقی را مجموعه حقوق شهروندی می‌گویند. به عبارت دیگر، حقوق شهروندی، حقوقی است که افراد جامعه چون شهروند آن جامعه هستند دارا می‌شوند. در توضیح بیشتر باید گفت مجموعه امتیازاتی که مربوط به شهروندان است و مجموعه قواعدی که به‌عنوان شهروند هستند بر آنان حکومت می‌کند. دارندگان این حقوق، در واقع تمامی افرادی هستند که در جامعه زندگی می‌کنند که به آنها شهروند گفته می‌شود و این، مفهومی فراتر از تابعیت است که در آن باید برای افراد، موقعیت‌هایی متمایز، وجود شرایطی برای به رسمیت شناخته شدن، حاکمانی خاص و حکومت شونده‌گانی ویژه لحاظ شود (علیدوست، ۱۳۹۸/۹۷).

شهروندی از دیدگاه اسلام با توجه به کرامت و ارزش ذاتی انسان در مکتب اسلام، می‌توان گفت که در این مکتب تعریفی با معیارهای امروزی برای شهروندی وجود ندارد. اسلام ضمن ارج نهادن به کرامت انسان‌ها چه مسلمان و چه غیر مسلمان، پیروان دین اسلام را امت واحد می‌داند. لذا در نظام سیاسی اسلام، مسلمانان به مانند پیکر واحدی هستند که در این پیکر تمامی اعضا به یک اندازه مهم هستند. آنچه امروزه از آن به‌عنوان شهروندان ملی و جغرافیایی یاد می‌شود، در اسلام حجتی برای آن وجود ندارد. در اسلام، معیار عقیده است که مرز میان مسلمان و غیر مسلمان را جدا می‌کند. قرآن کریم مؤمنان به اسلام را برادران دینی می‌داند. که شعوبیت و قومیت صرفاً جهت تمایز آنان از یکدیگر است و برتری اهل ایمان بر یکدیگر فقط در تقرب به خداوند و پرهیزکاری است. مفسر المیزان مرز جامعه اسلامی را این طور ترسیم می‌کند: اسلام جامعه‌ای را بنیان نهاده که مرزهای آن را عقیده تعیین می‌کند، نه وطن و نژاد و امثال آن (علامه طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۳۳/۴).

بنابراین، در اسلام دامنه اصطلاح شهروندی بسیار گسترده‌تر از مفهوم امروزی آن است و می‌توان گفت: آنچه امروزه قیودات و شرایطی را برای شهروندی در نظر می‌گیرند، اعتباراتی بیش نیستند که حجت شرعی و اسلامی برای آن وجود ندارد. اسلام تعامل شهروند مسلمان در برابر حکومت اسلامی را تأیید می‌کند و برای آن حقوق و مسؤولیت‌هایی را در نظر می‌گیرد. به‌طور کلی، «با وجودی که دین اسلام، عملاً به پیروان خود در سراسر جهان، ملیت ویژه‌ای بخشیده و همه را در زیر یک شعار و پرچم درآورده است، مع ذلک وابستگی آنان را به سرزمین، تاریخ و فرهنگ ملی خود انکار نکرده است» (بوازار، ۱۳۵۸: ۱۱۳).

۴- حقوق شهروندی و کرامت انسانی

شهروندان در پناه دولتی عادل و مقتدر می‌توانند به شیوه‌ای زندگی کنند که در آن بیشترین حقوق انسانی و حرمتشان حفظ شود. جامعه‌ای را در نظر بگیریم که در آن دولتی وجود ندارد و یا دولتی ناتوان بر سر کار است که نمی‌تواند حداقل خواسته‌های شهروندان، به ویژه امنیت آنان را تأمین کند.

شامل حقوق سیاسی و مدنی مشترک میان کلیه ملل است که دولت‌ها متعهد می‌شوند آنها را رعایت و ترویج کنند.

این حقوق ناظر بر: حیات، امنیت، آزادی سیاسی، بیان، اندیشه و مذهب، نفی بردگی و شکنجه می‌باشد. حقوق بنیادی بر محور کرامت انکارناپذیر انسان، باید شناخته شود و تضمین گردد و ارگان‌های قانون‌گذاری، اجرایی و دادگستری موظف به اجرا و رعایت آن باشند؛ یعنی قانون‌گذار نباید قانونی وضع نماید که به آن خدشه‌ای وارد آورد. مجری قانون به گونه‌ای داور می‌کند که ناقض حقوق بنیادی نباشد، به‌ویژه در جایی که صراحت قانون برای انجام کاری و یا منع انجام آن وجود نداشته باشد. البته حقوق بنیادین تنها خواست و مطالبه شهروندان از حکومت نیست؛ بلکه هنگامی که میان فرد و دولت رابطه شهروندی برقرار شد، شهروند حقوق خاصی پیدا می‌کند که ممکن است این حقوق از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت پیدا کند. اما حقوق بنیادی، نظام ارزشی فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که خود، پدید آورنده و سامان بخش سازمان‌های دولتی و ساز و کار آن می‌گردد. جنبه مهم دیگر شهروندی، جنبه سیاسی بودن آن است. امروزه نمی‌توان شهروند را از مسائل سیاسی جدا در نظر گرفت.

نخستین هدف در حکومت اسلامی در زمینه فرهنگ و ایدئولوژی مردم است، زیرا پاسخگویی به نیازهای فکری و اعتقادی مردم آن زمان و چه بسا بشریت، از مهم‌ترین اهداف رسالت پیامبر اکرم (ص) بوده است. خداوند در آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ پیامبری که بار سنگین را از دوش مردم بر می‌دارد و بندها و زنجیرها را از آنان باز می‌کند». بدیهی است منظور از بارهای سنگین، آداب و رسوم جاهلی و نیز غل و زنجیرهای فکری و روحی است، که بر نیروها و استعدادها معنوی بشر سایه افکنده است. نخستین حق هر شهروند و هر انسانی ایجاد زمینه‌های رشد اوست. پس از آن باید محیط اجتماع فرصت رشد، توسعه و کمال را به افراد بدهد. بنابراین برقراری عدالت و اقامه قسط در جامعه و وظیفه هر حاکم و حق هر شهروند است، چراکه قسط و عدل مطلوب هر انسان است و

در این جامعه آیا می‌توان انتظار داشت که شهروندان صاحب حق و کرامت خواهند بود؟ روشن است که تکلیف دولت‌ها صرفاً عدم مداخله در زندگی خصوصی و آزادی‌های مدنی نیست و البته که این بخش مهمی از مسؤولیت دولت است. اما مسؤولیت مهم دیگر دولت و حکومت، عمل‌گرایی در باب اعطای حقوق به شهروندان است، یعنی دولت مکلف است که علاوه بر دست‌زدن به حقوق ذاتی شهروندان، برای تقویت سطح زندگی آنان، اقدامات عینی و عملی انجام دهد.

کرامت ذاتی برای انسان منفعتی ندارد، مگر این که انسان در صحنه اجتماع قرار بگیرد و به اصطلاح امروزی عنوان شهروند را پیدا کند. در این موقعیت، صحبت از حفظ کرامت و یا تعدی و تجاوز به کرامت ذاتی انسان به‌عنوان یک شهروند، معنا پیدا می‌کند. همه انسان‌ها آزاد زاده می‌شوند و به نام انسان از حقوقی برخوردارند که نمی‌توان آن را از کسی سلب کرد و نمی‌توان کسی را از داشتن آن محروم کرد. اما در حقوق شهروندی اعطایی، انسان باید در سایه دولتی قرار بگیرد و چنانچه دولت حقوق تعریف شده را که عموماً به صورت قانون درمی‌آید به او اعطا کند، می‌توان گفت که کرامت انسانی شهروند رعایت شده است؛ به عبارت دیگر، انسان شهروند، واجد یک سری حقوق اساسی و بنیادین است که منبع و مبنای این حقوق کرامت انسان است و دستگاه‌های حکومتی موظفند این حقوق بنیادین را رعایت و حراست کنند.

پایه و اساس حقوق شهروندی کرامت اکتسابی است و قوانین اساسی از جمله قانون اساسی ایران معیارهایی را در جهت بهره‌مندی از این حقوق بیان می‌دارند. اما این ملاکات به دلیل قانونی بودن و خصیصه ذاتی کلیت قانون سلیقه‌های دلخواهی و خارج از ضوابط نیست. هیچ‌گاه و در هیچ دوره‌ای به خلاف برخی، نباید تصور کرد که درجات شهروندی از بین رفته است (بندرچی، ۱۳۸۳: ۱۲۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) یکی از معاهدات مهم بین‌المللی، حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را به قواعد حقوقی الزام‌آور تبدیل نموده است. میثاق مزبور

در جای‌جای تعلیم اسلامی به آن امر شده است، حتی اگر به ضرر شخصی باشد.

از دیگر حقوق شهروندان تأمین امنیت ایشان در زمینه‌های مختلف مالی، جانی، کاری، حقوقی و شخصیتی است، در آیات متعدد قرآن کریم از ظلم و تعدی به هر صورتی که باشد نهی شده است. اسلام این حق را نه تنها برای شهروندان حکومت اسلامی بلکه برای همه موجودات و انسان‌های دیگر نیز محترم شمرده است. در چنین محیط امن و آرامی است که انسان می‌تواند به رشد و کمال خود بیندیشد. توجه به منزلت و کرامت همه انسان‌ها یکی دیگر از مهمترین تعلیم دینی است، همانگونه که خداوند در آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات اشاره دارد، آنچه موجب برتری کسی بر دیگری می‌گردد، تنها تقوا است، یعنی چگونگی عمل و رفتار است که موجب کسب فضیلتی افزون بر دیگری می‌شود، نه مظاهر دیگر آفرینش از قبیل رنگ پوست، جنسیت، نژاد و... بنابراین همه انسان‌ها از حقوق مساوی برخوردار هستند. از دیگر حقوق شهروندان در یک حکومت اسلامی، زندگی در محیطی سرشار از صلح و صفاست. به همین دلیل در آیاتی مانند آیه ۱ سوره مبارکه انفال و آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء و آیاتی دیگر به دوستی بین افراد اجتماع سفارش شده است، تا جایی که خداوند در آیه ۱۰ سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَوْصِيائِكُمْ؛ در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید». بنابراین نه تنها مؤمنان برادر یکدیگر شمرده شده‌اند، بلکه ایجاد صلح و آشتی هم از وظایف همه شهروندان است. از دیگر عوامل ایجاد محیط سالم و امن در اجتماع، امانت‌داری است؛ چنانچه خداوند در آیه ۵۷ سوره مبارکه نساء به همه فرمان می‌دهد که امانتدار باشند و امانت‌ها را به صاحبان آن برسانند. البته امانت‌داری جنبه‌های مختلفی دارد که همه، مورد توجه هستند.

اسلام بر حق زیستن در محیط انسانی تأکید دارد، آن را از حقوق معنوی شهروندان می‌داند. قرآن کریم در این مورد در آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ؛ کیفر آنان

که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، کشتن ایشان است به وسیله اعدام یا به دار آویختن و یا قطع دست راست و پای چپ آنها است یا به عکس یا تبعید آنان است» و در جای دیگر فتنه‌انگیزی در اجتماع بزرگ‌تر از قتل و خونریزی شمرده شده است؛ گاهی رهایی از توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی تنها با جهاد امکان‌پذیر است. در این صورت چنین جهادی مقدس و مورد امر قرآن کریم است به طوری که در آیه ۷۷ سوره مبارکه حج می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ». از دیگر حقوق شهروندان در حکومت اسلامی برخورداری از رفاه و آسایش مادی است. ایشان حق دارند که در یک محیط امن و با آرامش از مواهب هستی بهره‌مند گردند و به طریق دلخواه خود به کسب و کار پردازند. قرآن کریم به مالکیت خصوصی و حق همگانی در بهره‌برداری از منابع طبیعی تأکید دارد و در آیه ۹ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ؛ ما تسلط و مالکیت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم». بنابراین، انتخاب شغل و کسب درآمد از مواهب و آزادی‌هایی است که اسلام برای هر یک از شهروندان قائل است، مگر آن‌که موجب ضرر به فرد یا اجتماع گردد. کمک به اقشار محروم هم از حقوق شهروندان ضعیف شمرده شده است و حکومت و افراد جامعه اسلامی در قبال آن مسؤولیت دارند. قرآن کریم در این مورد آیات بسیار دارد، که آیات خمس، نفقات و زکات از این قبیل است.

نتیجه‌گیری

کرامت در در دین مقدس اسلام دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است و بر اساس آیات و روایات کرامت در ساختار هستی‌شناسی با دو جهت‌گیری همراه است یکی کرامت ذاتی است که خداوند در همه انسان‌ها به ودیعت نهاد است. قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰) به همه فرزندان آدم کرامت بخشیدیم همه انسان‌ها چه مؤمن و چه غیر مؤمن چه زن و چه مرد دارای این کرامت ذاتی هستند. به بیان دیگر همه انسان‌ها صرف‌نظر از جنسیت رنگ و نژاد و خداوند این موهبت الهی را به ایشان اعطا کرده است که مصداق بارز آن موهبت عقل و خرد است که انسان را از

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابوالفتح رازی (۱۳۷۵). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر قرآن*. ترجمه محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، جلد هجدهم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اکبری، حمیدرضا (۱۳۹۵). *نگاهی به حقوق شهروندی*. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). *المکاسب المحرمه*. جلد سوم، قم: نشر کنگره.
- بندرچی، محمدرضا (۱۳۸۳). «حقوق شهروندی در حقوق اساسی ایران». *نشریه دادرسی*، ۴۶: ۱۵-۱۹.
- بوازار، مارسل (۱۳۵۸). *اسلام و حقوق بشر*. ترجمه محسن مؤیدی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۸۸). *حقوق جهانی بشر: تحقیق و تطبیق در دو نظام اسلام و غرب*. چاپ چهارم، بی‌جا: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری تبریزی (۱۳۷۰). «حق کرامت انسانی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۲۷: ۷۷-۹۸.
- حبیب‌زاده، توکل و فرج‌پور اصل مرندی، علی اصغر (۱۳۹۵). «کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برآن». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۶(۱): ۱۳۷-۱۱۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۱). *مفردات الفاظ قرآن کریم*. چاپ سوم، تهران: انتشارات حورا.
- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۸۶). *غرور الحکم و دررالکم*. جلد دوم، چاپ نهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سایر جانداران جدا ساخته و ممتاز گردانیده است. دیگری کرامت ذاتی اکتسابی یا ارزشی است «ان اکرمکم عندالله اتقئکم» (حجرات/۱۳). حال این کرامت باید در انسان به نحوه احسن و در مسیر شایسته و صحیح پرورش یابد تا به هدف اصلی و مقصود اصلی یعنی قرب الهی و خشنودی خداوند برسد در این جا هم انسان‌ها صرف نظر از جنسیت و سایر امتیازات دنیوی می‌تواند به آن دست پیدا کند. هر که با تقواتر است در نزد خداوند گرامی‌تر است. دین اسلام مسیر رسیدن به تقوا را به درستی ترسیم کرده است. تقوا انجام فرائض الهی یعنی انسان برای اینکه به قرب الهی برسد نقشه راهی را باید بر اساس سنت دینی و الهی ترسیم کند. هندسه آن در قرآن و روایات ائمه (ع) به درستی و کامل ترسیم شده است. اسلام ضمن ارج نهادن به کرامت انسان‌ها چه مسلمان و چه غیر مسلمان، پیروان دین اسلام را امت واحد می‌داند. لذا در دین مقدس اسلام، مسلمانان به یک اندازه مهم و دارای سهم هستند. آنچه امروزه از آن به‌عنوان شهروند یاد می‌شود، در اسلام حجتی برای آن وجود ندارد. در اسلام، معیار عقیده است که باعث تمایز مسلمان از غیر مسلمان می‌شود. در قرآن کریم شعوبیت و قومیت صرفاً جهت تمایز آنان از یکدیگر است و معیار برتری را فقط تقوا معرفی کرده است.
- ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.
- تعارض منافع:** در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.
- سهم نویسندگان:** نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.
- تشکر و قدردانی:** از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.
- تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

- سبحانی، جعفر (۱۳۶۴). *منشور جاوید*. جلد چهارم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- سیدی نیا، سید اکبر (۱۳۸۷). «کرامت انسانی و اقتصاد». *مجله اقتصاد اسلامی*، ۲۹: ۱۱۱-۱۴۱.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱). «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴(۳): ۶۰-۸۰.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۶). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد سیزدهم چهارده، پانزده و هجدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۳۶۳). *تفسیر مجمع البیان*. ترجمه علی کاظمی، جلد چهاردهم و بیست و سوم، تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۴). «فقه و مقاصد شریعت». *مجله فقه اهل بیت*، ۴۱: ۱۱۸-۱۵۸.
- عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ عمید*. جلد سوم، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی و محمدمهدی توکلی (۱۳۸۶). «حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام». *فصلنامه حقوق*، ۴: ۱۶۱-۱۸۹.
- قریشی، سید علی اکبر (۱۳۷۲). *قاموس قرآن*. چاپ یازدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- علامه مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۷). *بحار الانوار*. جلد هفتادم، چاپ دوم، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). *نظریه حقوقی اسلام حقوق متقابل مردم و حکومت*. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی، مکارم (۱۳۶۹). *تفسیر نمونه*. جلد دوازدهم، چاپ هفتم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی الخمینی (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نصری، عبدالله (۱۳۸۷). *انسان از دیدگاه اسلام*. چاپ سیزدهم، تهران: دانشگاه پیام نور.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۷۹). *روشی نو در ارائه مفاهیم و موضوعات قرآن*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.